

# اول آذرماه 1381

## روز پرخاش و خروش همگانی

.... در چنین وضعی به هیچ وجه نباید فریب خورد، به هیچ وجه نباید قهر سنگین مردم را نسبت به این سامان یکه تازانه ضد ایرانی کم کرد بلکه باید کوشید که این قهر سنگین اما خاموش به یک پرخاش و خروش همگانی بدل شود....  
(فروهر)  
(داریوش)

متن بالا بریده ای از سخنان زنده یاد داریوش فروهر در رابطه با نمایش انتخاباتی سید محمد خاتمی از سوی رژیم سفاک جمهوری اسلامی است. و متن زیر بریده ای از سخنان وی در مصاحبه مطبوعاتی، یک روز پس از انتخاب نمایشی سید محمد خاتمی است:

**سوال:** جناب فروهر اگر از شما آقای محمد خاتمی دعوت به همکاری بکند قبول می کنید؟  
**جواب:** میان این نظام و مردم یک دریای خون قرار دارد. من از این دریای خون نخواهم گذشت.

اکنون بیش از چند روز به اول آذرماه 1381 یعنی آغاز پنجمین سال قتل فجیع و وحشیانه وی و همسر فداکار او پروانه فروهر (اسکندری) شیرزنی که راه و رسم مبارزه و اخلاق سیاسی و مبارزه را از مصدق بزرگ آموخت و لحظه ای دست از مبارزه شجاعانه در کنار همسر خود بر نداشت نمانده است. خون پاک پروانه و داریوش فروهر، خون محمد مختاری، خون محمد جعفر پوینده، مجید شریف و پیروز دوانی و خون پاک هزاران جوان ایرانی که از اول آذرماه 1377 تاکنون به دستور سردمداران جمهوری اسلامی ریخته شد و همچنان بی رحمانه ادامه دارد پهنه این دریا را میان نظام اسلام پناه و مردم ایران دو صدچندان کرده است. از این دریای پرخون کدام ایرانی با شرف در درون و برون مرزهای ایران گذر تواند کرد؟ و کدام ایرانی از اینهمه ظلم و ستمی که بر ایران و ایرانی رفته مصون خواهد ماند؟

اکنون سکوت و اغماض یا کمکاری ما در بیرون مرزهای ایران و قهر خاموش مردم محروم و ستم کشیده ما در درون مرزهای ایران گرچه ممکن است به مثابه آتشی زیر خاکستر باشد و به زودی ریشه ظلم و جهل ملایان را در ایران بسوزاند، اما سزاوار نیست روزها و ماه ها و سال ها یکی بعد از دیگری با انتخاب روش های به ظاهر آسان مثل انتخاب خاتمی در برابر ناطق نوری و درگیر شدن با مسائل انحرافی و کم اهمیت از سوی ما بگذرند. این سکوت و اغماض در بیرون مرزهای ایران، و آن قهر سنگین ولی خاموش در درون مرزهای میهنی که اینچنین در خون غوطه ور شده و در فساد و فقر و مرض و فحشا

و مواد مخدر دست و پا می زند ایران و ملت هفتاد میلیونی ما را به سوی نیستی سوق می دهد. ضرب المثل معروف "ازین ستون به آن ستون فرجی است" در باره وضع اسفبار ایران و مردم ستمدیده ایران صدق نمی کند. صبر و تحمل و کمکاری ما فرجی برای رژیم جمهوری اسلامی است که همه چیز دارد به غیر از زمان که کلید آن در دست ما می باشد. به رژیم جمهوری اسلامی فرصت ندهیم. شادروان پروانه فروهر زن قهرمانی که تا آخرین قطره خون خود را در نهایت اخلاص و فداکاری به پای ما ایرانیان و نسل های آینده ارزانی داشت پس از اتمام نمایش انتخاباتی و گزینش ملالتبار سید محمد خاتمی به ریاست جمهوری در مصاحبه ای با خبرنگار آلمانی گفته بود :

**... ولی جوان ها و زن ها بیشتر، و مردم راه آسان را انتخاب کردند، قهر بزرگشان را شکستند و با آمدن آقای خاتمی به عقب انداختند آنچه را که ما در راستای آن بسیار تلاش کرده بودیم . . . .**

اگر امروز می بینیم که دامنه خون ریزی و مرگ و انهدام این ملت از سوی رژیم سفاک و خونخوار به خیابان ها کشیده، اگر فرزندان بی گناه و سربازان گمنام این مملکت با اتهام های بی اساس و دروغین به حکم یک ملّای نادان در ملأ عام از دکل جرتقیل ها آویزان می شوند دلیلی بس آشکار دارد. دلیلش این است که ما:

**قهر سنگینمان را در نمایش انتخابات ریاست جمهوری خاتمی شکستیم و برای رسیدن به آزادی راه آسان را انتخاب کردیم.**

دلیلش این است که:

**پیکر تب آلود پروانه فروهر را چهارسال پیش در خون غلطان یافتیم و قهر سنگینمان را « نسبت به آن سامان یگانه تازانه ضدّ ایرانی» به یک « پرخاش و خروش همگانی» بدل نکردیم.**

و به طور قطع و یقین چنانچه امروز، پس از گذشت چهارسال از اول آذرماه خونین 1377 همچنان خاموش بمانیم و کار را به عهده جمع اعتراضی و پراکنده چند هزار دانشجو در این دانشگاه و آن دانشگاه بگذاریم، اگر باز هم به تماشای قربانی شدن دانشجویان غیورمان اکتفا کنیم به زودی نوبت یکایک ما خواهد رسید. این ضحاک خونخوار زمان اگر در برابر تجمع اعتراضی یک میلیونی ما در تهران قرار نگیرد همچنان به مکیدن خون یک یک ما ادامه خواهد داد.

وظیفه ما امروز در خارج از مرزهای ایران پشتیبانی مادی و معنوی از دانشجویان و

**مردمی است که در درون مرزهای میهن بلازده مان در یک روز معین و در یک**

**مکان معین** با جمعیت یک میلیونی گرد هم جمع شوند و آزادی را یکصدا فریاد کنند.  
این روز معین در پیش ماست:

## **اول آذرماه 1381**

این مکان معین را نیز میدانیم:

### **خانه آزادی در خیابان هدایت، تهران (قتلگاه فروهرها)**

#### **و**

### **مجلس شورای ملی، میدان بهارستان، تهران**

در برابر جمع اعتراضی یک میلیونی مردم بر اساس تجارب مبارزاتی/تاریخی در ایران و دیگر کشورهای جهان هیچ رژیم و هیچ دشمن داخلی و خارجی نه تنها جرأت سرکوب نخواهد داشت، بلکه نیروهای نظامی و مسلح را که خود دلی پر خون دارند یکباره به مردم ملحق خواهد نمود و کار را یکسره خواهد کرد. تجمع موضعی در شهرستان ها در روز اول آذرماه 1381 از سوی جمع قلیلی از دانشجویان نهایت مطلوب برای سران آدمخوار و جنایت پیشه رژیم اسلامی است، زیرا سرکوب وحشیانه را برایشان آسان و آماده می کند. اگر از هم اکنون تمامی دانشجویان و دیگر مردم ستم دیده و شجاع ایران با هر زحمت و مشقت و مخارجی از سراسر ایران به تهران روی آورند و در جهت ایجاد یک تجمع بزرگ و غیر قابل کنترل از سوی رژیم قدم بردارند می توانند بساط و برنامه خیانتبار ولایت فقیه و رئیس جمهور نمایشی او را به ناگاه در هم ریزند و خاک پاک میهن را از وجود جاهلان وحشی و خیانت پیشه پاک سازند.

یکی از نگرانی ها این است که در غیاب یک رهبر واحد و یا هیأت رهبری چه خواهد شد؟ جوابی که به این سؤال مهم می توان داد جواب واحدی نیست ولی یکی از راهکارها چه بسا نظیر این باشد که:

با آزاد شدن زندانیان سیاسی غیر خودی، یعنی همان ها که همچنان در برابر شکنجه و زندان تن به تسلیم نداده اند، تیم رهبری موقت می تواند از میان جوان ترین دانشجویان تا مسن ترین و پر تجربه ترین زندانیان سیاسی که رژیم جرأت آزاد کردنشان را طی سال های دراز گذشته نداشته است تشکیل شود. رهبر واحد و یکه تاز هرکس که باشد به سرعت آلوده قدرت خواهد شد. مردم ایران به طور قطع پس از تجارب تلخ گذشته زیر بار یک رهبر و سلطان و امام نخواهند رفت. ایران در قبال تجارب سخت و سنگین گذشته از چنین مرحله که یک رهبر و یکه تاز واحدی را بر سر خود سوار کند گذشته است. وارد شدن هرگونه تیم رهبری از خارج از مرزهای ایران نیز چیزی بجز همان تیمی که اکنون

مانند کارمندان وزارت امور خارجه آمریکا و انگلیس در افغانستان به کار مشغول هستند نخواهد بود. بی شک در میان مردم دلسوخته و محروم ایرانی از طیف راست تا چپ سیاسی و ایدیولوژیک زنان و مردان پاک و درستکار فراوان یافت می شوند، اما در این مرحله، ورود هرگونه تیم رهبری از خارج می تواند بس مشکوک و خطرناک باشد. باید عطایش را به لقایش بخشید.

تفاوت اصلی با انقلاب سال 57 این خواهد بود که تمامی مردم ایران نه به صورت پاسدار و نظامی و تیم حقوق بگیر دولتی و غیره، بلکه به صورت واقعی خود یعنی به صورت " مردمی بیدار و هوشیار" در مشاغل و حرفه های معمولی خود باقی خواهند ماند و به هیچ کس اجازه انحراف و اشتباه نخواهند داد. احزاب آزاد سیاسی و سندیکاها به سرعت فعالیت آزاد خود را آغاز خواهند کرد. تیم رهبری موقت و احزاب آزاد متفقا طی مدتی بین شش ماه تا دو سال می توانند پایه و اصول تحویل دادن حکومت را به مردم از طریق یک قانون اساسی مدرن و با تکیه بر حقوق شناخته شده در منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد مهیا کنند. البته همانطور که در بالا اشاره شد سؤال مهم « چه خواهد شد؟» را جواب واحدی نیست و اگر باشد جای آن در این مقوله نیست. ولی تأخیر در کار مهم برکندن بنیاد ظلم جمهوری اسلامی از سوی یکایک ما با همان گذر کردن از دریای خونی برابر است که هر روز بر پهنا و عمق آن از سوی رژیم خونخوار اسلامی افزوده می شود. اگر بخواهیم به امید یک رهبر یا به امید یک تیم رهبری از پیش برگزیده در انتظار بمانیم، دقیقا قدم در راهی گذاشته ایم که بدخواهان ایران مدت مدیدی است طرح آن را ریخته اند و به اجرا گذاشته اند. این طرح شوم همین است که ما را در سه گوشه دیوار استیصال یا در دایره تنگ استیصال محاصره کنند تا به اجبار سر تسلیم در برابر رهبر خوش خط و خال ولی یکه تاز دیگری و یا تیم رهبری ساخته و پرداخته دست غیبی فرود آوریم.

ما می توانیم تمام طرح ها و نقشه های ساخته و پرداخته شده در جهان غرب را

نقش بر آب سازیم. امروز نه مصدقی وجود دارد نه پروانه و نه داریوش فروهری، اما **راه**

**مصدق** را نمی توان کشت، نمی توان دشنه آجین کرد، راه و رسم مصدق در لا به

لای اوراق تاریخ چنان روشن و واضح بر ما نمودار است که نیاز به تعبیر و تفسیر ندارد. تعداد کتاب ها و نوشته های تاریخی دوران نهضت ملی ایران به رهبری دکتر محمد مصدق بس فراوان است اما در این میان خواندن یکی از آخرین کتب تاریخی با نام:

«**نفت، قدرت و اصول** - پیامدهای کودتای 28 مرداد» نوشته استاد ارجمند

دانشگاه سیراکیوز نیویورک آقای مصطفی علم، ترجمه آقای غلامحسین صالحیار که ناشر

آن **انتشارات چاپخش** است ضرورت دارد. این کتاب به طریق بسیار صحیح علمی نوشته شده است. بخش بزرگی از این کتاب به درج منابع اصلی و اسناد واقعی و آزاد شده از

سانسور سازمان های اطلاعاتی انگلیس و آمریکا تخصیص یافته است. آنچه بیش از همه در این کتاب حائز اهمیت است قسمتی است که از رقابت های آشکار و نهان دولت ها و شرکت های نفتی انگلیسی و آمریکائی پرده بر میدارد و به خوبی نشان می دهد که داستان رقابت آمریکا و انگلیس بر سر کنترل منابع نفتی از کودتای ننگین 28 مرداد 1332 تا کنون ادامه دارد. همچنین نشان دهند راه و رسم هوشمندان زنده یاد دکتر محمد مصدق است که می تواند همین امروز نیز ما را در کار مبارزه با استعمار و استبداد و سربلند ساختن ایران و ایرانی رهنمون گردد.

در این روزهای حساس و بحرانی آنکس که می گوید:

• **گذشته را باید فراموش کرد، باید به فکر آینده بود.**

از حقایق تاریخی وحشت دارد. می خواهد به قدرت دست یابد و به همان روشی رفتار کند که تاریخ نگاران پرده از آن برداشته است. باید در جواب او گفت پس چرا در تمام زبان ها و فرهنگ های جهان گفته ان " **گذشته چراغ راه آینده است**"؟ باید از او پرسید چرا سعی در خاموش کردن این چراغ می کند؟ مگر ریگی به کفش دارد؟ و آنکس که می گوید:

• **سخن از تجربه تلخ کودتای ننگین 28 مرداد گفتن کینه توزی**

**شخصی است:**

سخن از کینه توزی چه شخصی با چه شخصی می گوید؟ آیا رقابتی بین این دو شخص در گذشته دور و نزدیک بر سر قدرت و تحکم بر سر مردم محروم ایران وجود داشته که همچنان ادامه دارد؟ با کدامین اصل منطق چنین حرفی را بر زبان و قلم جاری می کنند؟ و آنکس که می گوید:

• **مصدق از طایفه رجال و ملاکین و سرمایه داران بود بنابراین**

**نمی توانست حامی و طرفدار طبقه کارگر و زارع و**

**زحمتکش و محروم ایران بوده باشد:**

چه بی انصاف است. او یا نمی داند و یا نمی خواند و یا نمی خواهد بداند و بخواند که مصدق گرچه از طبقه ملاک و رجال قاجار بود، ولی چگونه از حقوق زحمتکشان دفاع می کرد و چگونه در برابر دولت های متجاوز به حقوق کارگران در کشورهای دیگر جهان در همان مدت کوتاه نخست وزیری خود قد علم می کرد. یا مصدق چگونه بدون دریافت

- 6 -

حقوق و مزایا نه تنها مخارج مسافرت خویش به شورای امنیت برای دفاع از حقوق مردم ایران را بلکه در اغلب موارد هزینه سفر همراهان خود را نیز پرداخت می کرد. . . . .

**راه مصدق** نه قابل دشمنه آجین کردن است و نه از صفحه تاریخ و اذهان عموم محو کردنی است. باید جوانان آن را بخوانند و در اندیشه خود تجزیه و تحلیل کنند تا راه نجات خود و نسل های آینده را به آسانی از آن فرا گیرند.

## آزاد باد ایران

محمد حسیبی

23 آبانماه 1381

[WWW.hassibi@chebayadkard.com](mailto:WWW.hassibi@chebayadkard.com)

